

فآآنی شیرازی در مکتب بازگشت در دوره قاجار

دکتر مختار ابراهیمی^۱

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

شعر دوره قاجار با آن که پایبند به سنت‌های ادبی است، چنان‌که معمول است همین پایبندی سبب خردگیری شده است. باید دانست در کنار همین دلبستگی‌ها، خلاقیت هنری نیز در نزد شاعران این دوره نمود پیدا کرده است. فآآنی به عنوان یکی از شاعران صاحب سبک در مکتب بازگشت در ساختار جلوه‌هایی از زیباشناسی را ارائه داده است که می‌تواند به عنوان معیاری استوار از شاعری زمانه خود به شمار آید. شاعری که به «چگونگی» سروden شعر بیش از «چراپی» آن توجه دارد و از این جهت نه تنها در میان معاصران خود متمایز بلکه در تاریخ ادبیات فارسی شایسته توجه درخور است. تصاویر شعری فآآنی هنگامی جنبه هنری خود را نشان می‌دهند که در بافت زبانی ساختمند در نظر گرفته شوند. به عبارت دیگر تأمل بر یک جنبه از عناصر ادبی شعر فآآنی باعث می‌شود که شعر او شعری تکراری فرض شود در حالی که اگر تمام عناصر شعری در نظر گرفته شود ساختار یکدست کلام این شاعر توانا بهتر جلوه‌گر می‌شود.

واژه‌های کلیدی : مکتب بازگشت، فآآنی، عناصر بیانی، عناصر خیالی.

1- dr.ebrahimi1345@gmail.com

تاریخ پذیرش

91/10/17

تاریخ دریافت

91/7/10

مقدمه

۱-۱ شعر دوره قاجار و چرایی گذشته‌گرایی آن

دوره قاجار یکی از دوره‌هایی است که در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، هنری و شعری به سنت‌های گذشته توجه می‌شده است. این گرایش به سنت‌ها، یکی از عناصر اصلی سیاست در نزد پادشاه قاجاری به ویژه فتحعلی شاه به نظر می‌رسد. گفتنی است توجه داشتن به ادبیات بخشی از سیاست کلی حکومت قاجاری بوده است؛ حکومتی که نسبت به سنت‌ها بسیار جدی بود و تنها در بخشی از دوره قاجار یعنی هنگام صدارت امیرکبیر است که به شعر و شاعری وقعي گذاشته نمی‌شود. (ر.ک، قاآنی، ۱۳۸۰: ۷، مقدمه)

در شعر دوره قاجار که به سبک یا مکتب بازگشت مشهور شده است جز غزل که به نوعی نشانگر احوال درونی شاعران است، در دیگر قالب‌ها، مثل قصیده و مثنوی سنت‌های ادبی اساس آفرینش‌های شاعرانه قرار گرفته است.

شاعران مکتب بازگشت، شعر را از زاویه دید شاعران پیش از شیوه هندی در نظر آورده‌اند اما زبان ادبی آن‌ها تقليدی نیست؛ چنان که در این مقاله در مورد قاآنی بدان خواهیم پرداخت زبان خاص و تخیل شاعرانه سبب تشخّص سبکی شده است.

بر بنیاد این نظر باید گفت که شعر در مکتب بازگشت برخلاف آن چه مشهور است آفرینش و خلاقیت‌های هنری نیز داشته است، منتها نسبت به شعر دوره پیش از خود یعنی سبک هندی، سنت‌گرایتر است؛ این سنت‌گرایی دلایل گوناگون دارد که از جمله «تأثیر محیطی» است؛ بدین معنا که جامعه محبوب در سنت‌های اجتماعی و فرهنگی دوره قاجار، تمام عرصه‌ها، از جمله شعر را تحت تأثیر خود قرار داده و سبب گرایش شاعران به شعر پیش از سبک هندی شده است. «بازگشت اینان به سنت شعری سبک خراسانی و عراقي، نوعی مهار پیچیدگی‌های آشفته مضمونی، کنترل بی‌سوادی و در یک کلام، تشتت‌های فرهنگی و زبانی بود.» (محبتی، ۱۳۹۰: ۸۵۲)

بنابراین به دلیل سیاست حاکم بر جامعه، شاعران نیز خواسته و ناخواسته به تبع این سیاست در راستای اهداف فرهنگی و اجتماعی جامعه حرکت می‌کرده‌اند. افرون بر این شاید این پرسش پیش آید که چرا شعر دوره قاجار از سنت‌های شعر سبک هندی پیروی نکرده و به جای آن به شعر دوره‌های سامانی، غزنوي، سلجوقى و مغول نظر کرده است؟

چنان که گفته شد شعر در این دوره دو مرحله را پشت سر گذاشته است؛ یکی مرحله‌ای که به شعر انجمن مشهور است و در این مرحله مرکزیت با انجمن مشتاق اصفهانی است و در این انجمن شاعرانی همچون عاشق اصفهانی، آذر بیگدلی و دیگران حضور دارند و مرحله دوم که دوره قاجار به ویژه پس از حکومت فتحعلی شاه را در بر می‌گیرد، شاعرانی همچون فتحعلی خان صبا، سروش اصفهانی، ق آنی و دیگران در قالب‌هایی چون قصیده و مثنوی و غزل شعر می‌سرایند. بنابراین باید گفت شعر در مرحله نخست، حالت وقوعی دارد و غزل مهم‌ترین نوع ادبی به شمار می‌رود و در مرحله دوم، مثنوی و قصیده که رنگ و نمای خراسانی و عراقی دارد صحنه‌گردان انجمن‌های ادبی (انجمن خاقان و انجمن نشاط) است. ق آنی از جمله شاعرانی است که بیش از آن که به «چرایی» شعر توجه کند به «چگونگی» سرایش اهمیت می‌دهد، به همین دلیل شعر در نزد او به چیزی بیرون از خود اشاره ندارد؛ هدف شعر در نظر ق آنی در وهله اول خود شعر است نه درون‌مایه یا پیام آن.

چنین نگرشی، به شعر رنگ و جلای دیگری داده و سبب پیدایی «سبک» شده است. به سخن دیگر از میان شاعران دوره قاجار که اکثراً به سنت‌های ادبی علاقه نشان می‌دهند، سبک شعر ق آنی مُهر و نشان شخصی و جلوه دیگری دارد.

ق آنی و برخی دیگر از شاعران دوره قاجار مثل صبای کاشانی و سروش از جمله شاعرانی هستند که نام بازگشت ادبی می‌تواند بر شعر آن‌ها صادق باشد. اما باید نکته‌ای را در نظر داشت؛ اگر بازگشت ادبی را در معنای گرایش تقلیدی به گذشته شعر فارسی - چنان که برخی چنین نظری داشته‌اند - در نظر بگیریم، در شناخت انتقادی و علمی شعر این شاعران چندان نگاهی منصفانه نداشته‌ایم. اما اگر بازگشت ادبی به مفهوم «درس آموختن در مکتب بزرگان» شعر فارسی باشد به علاوه خلاقیت‌های شخصی شاعران این دوره، می‌توان گفت، راه درست‌تری را برگزیده‌ایم، چنان که در این باره گفته‌اند:

«در این نهضت حرف‌های تازه هم هست، ذوق شخصی، بهره‌گیری از نظام اثر ادبی به ویژه در حیطه صورت و کارکردهای موسیقایی زبان و تعبیرات نایابی که گاه در هیچ یک از سه سبک (خراسانی و عراقی و هندی) و پیشین نمی‌توان یافت.» (همان : 853)
بر این بنیاد با چنین دیدگاهی به شعر ق آنی به عنوان یکی از شاعران بزرگ دوره قاجار پرداخته شده است.

2- قآنی شیرازی

قآنی شیرازی شاعری است با شخصیتی کاملاً کلاسیک و سنتی؛ سنت و هنجرهای فرهنگی هویت هنری او را احاطه کرده و به او یاری رسانده تا شاعری خاص گردد. قآنی در محیط دربار قاجار بر آن بوده است که شعری ارایه دهد که تقاضای جامعه فرهنگی و ادبی روزگارش را برآورده سازد.

«میرزا حبیب الله شیرازی به سال 1223 هـ در شیراز به دنیا آمد در کودکی (گویا یازده سالگی) پدرش را از دست داد و بدین گونه او و خانواده اش دچار فقر و تنگدستی شد. (قآنی، 1380: 5)

قآنی شاعری است که به دربار قاجار وابسته بود، این امر هم از شعرش پیداست و هم در اندیشه‌اش تأثیر داشته است، چنان‌که مرسوم بوده است شاعران انجمان‌های ادبی به ویژه شاعران دربار قاجار (انجمان قآن) با توجه به نوع دیدگاه حاکم بر انجمان به شعر و ادبیات نگاه می‌کرده‌اند، قآنی هم در همین راستا تلاش کرده است هنر خویش را نمایان سازد. در اینجا این نکته مطرح می‌شود که شاعرانی در این کار توفیق یافته‌اند که دارای استعداد فوق العاده‌ای بوده‌اند، و ای کاش همیشه محیطی شایسته رشد و تعالی فرهنگی و هنری بر روزگاران حاکم می‌بود که چنین استعدادهای ارزشمندی بهتر می‌توانستند هنر و دانش خویش را متجلی سازند.

«قآنی لقب خود را از شاهزاده «اکتای قآن» فرزند شاهزاده حسن علی میرزا (پسر فتحعلی شاه) گرفته است اگرچه پیش از این تخلص «حبیب» داشت. در روزگار فرمانروایی محمدشاه (1251 هـ) قآنی به دربار پیوسته و حدود 47 سالگی در سال 1270 هـ درگذشته است.» (آرین پور، 1375: 96)

در این باره باید گفت به دلیل از میان رفتن دولتهای گورکانی هند و صفوی که به نوعی یکی حامی جدی سپک هندی و دیگری هم از دور دستی بر آتش داشته است، با روی کار آمدن دولتهای افشار و زند و قاجار فضای ادبیات به تبع فضای سیاسی دچار تغییر می‌شود و شعر این بار به دلیل حضور در اقلیم فرهنگی ایران دوباره به راه سنتی خود باز می‌گردد و راهی که شعر را در مرحله اول به مکتب وقوع سوق می‌دهد و در مرحله دوم به شعر خراسانی و عراقی باز می‌گرداند.

1-2 عناصر خیالی در شعر ق آنی

ق آنی در پرداخت شعر خود و در به کارگیری عناصر بیانی، خیالی و زبانی شاعری تواناست. پیش از پرداختن به هر موضوعی باید گفت برخلاف آن‌چه اهل ادب می‌گویند که شعر دوره قاجار (از جمله شعر ق آنی) تقلیدی همه جانبه از شعر کلاسیک فارسی به ویژه شعر سبک خراسانی و عراقی است ولی باید دانست که از حیث نوع ادبی فرقی تام و تمام میان قصاید کلاسیک فارسی و قصاید ق آنی دیده می‌شود چرا که قصاید کلاسیک فارسی از جهت طبقه‌بندی در نوع حماسی - ستایشی قرار می‌گیرند در حالی که قصاید ق آنی می‌توانند در نوع غنایی - ستایشی قرار بگیرند؛ در همین راستا زبان تلطیف یافته شعر ق آنی در کنار تصاویر غنایی و طبیعت‌گرایی و شادخواری از مهم‌ترین عوامل این تمایز به شمار می‌روند. اما به هر روی نوعی سرگردانی میان انواع ادبی در شعر ق آنی دیده می‌شود، او گاهی به غزل روی می‌آورد و زبان لطیف غزل را ارائه می‌دهد و گاهی آن‌چنان به ترکیب سازی و طنین واژه‌ها مشغول می‌شود که خاطره قصاید خاقانی زنده می‌شود، گاهی به مفاهیم گلایه‌آمیز و شکوازیه می‌پردازد و گاهی از آزادگی دم می‌زند. به هر روی گویی شعر ق آنی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران این عهد سرگردانی در میان ژانرهای ادبی او شکنجه می‌شود. گویی شاعر هر دم از یک اصالت به اصالت دیگر فرو می‌افتد ولی احساس می‌کند هیچ یک از آن‌ها هم نمی‌تواند او را قانع کند چرا که روزگار او روزگار سرگردانی‌هاست. (ر.ک: زرقانی 1390: 513) کلام شاعرانه و سبکدار ق آنی، نشان می‌دهد که بسیاری از منتقدان که او را مقلد دانسته‌اند، در نقد خود جانب انصاف را رعایت نکرده‌اند و به هنر ق آنی بی‌توجه مانده‌اند.

صور خیال شعر ق آنی دارای سبکی رنگارنگ است، بدین معنا که او از طبیعت، چه واقعی، چه ذهنی، تصاویری متتنوع، جذاب و تازه، ارائه می‌دهد. او در به نمایش درآوردن صورت‌های خیالی و هنری طبیعت نه تنها از آگاهی خود از سنت‌های ادبی بهره می‌گیرد، که در بیش‌تر این تصاویر هنری تجربه‌های شخصی خود را اساس کار قرار می‌دهد و همین نکته است که او را در میان شاعران معاصرش چهره‌ای برجسته می‌نماید.

1-1-2- کاربرد تشبيه در شعر ق آنی

ق آنی از تشبيه بیش‌تر از دیگر صور خیال بهره برده است؛ او انواع تشبيه را در کلام خود به صورت بسیار دقیق و فشرده به نمایش می‌گذارد با این حال فشردگی تشبيه‌های او به

50 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

«تزاحم تصویری» منجر نشده است. به سخن دیگر شاعر در نهایت استادی توانسته عناصر و اجزای گوناگون تصویر را در کنار هم نظم و ساختار هنری بخشد بی آن که ناسازگاری پیدا کنند. چنان که در به نمایش درآوردن «طلوع آفتاب» تصویری متحرک ایجاد کرده است:

«دریچه فلک از نقره سپید گشود وزآن میانه فروریخت دانه‌های گهر
ز آب خیزد نیلوفر و شگفت این است که خاست چشمء آب از کنار نیلوفر»
(قآنی، 1380: 262)

عناصر شاعرانه‌ای که قآنی در شعر به کار می‌گیرد به نظر می‌رسد کلاسیک و سنتی است ولی شیوه ارائه یا همان «چگونگی» آفرینش آن‌ها هنری است:

«مات شدم در رخش چنان که تو گفتی او همه خورشید گشت و من همه حربا»
(همان، 40)

مخاطب این بیت با دیدن چنین تصویری احساس می‌کند در فضایی پر از درخشش حیران و مات شده است، اگر به ترکیب «همه خورشید» و «همه حربا» توجه شود تازگی شیوه ارائه تصویر در کنار معنای پرستش آفتاب مشخص‌تر می‌شود. در بیت دیگر قآنی اگرچه از واژه‌های سنتی و کلاسیک بهره برده ولی نوع ارائه تصویر تازه نمود یافته است.

«چشم مگو یک قبیله زنگی جنگی تیر و کمان برگرفته از پی هیجا»
(همان، 40)

آشنایان با دیوان قآنی می‌دانند که بیش‌تر عناصر شعری قآنی کلاسیک و سنتی‌اند اما باید دانست که در این جا مقصود از سنتی بودن، کهنه و کلیشه‌ای بودن نیست بلکه سنتی بودن یعنی مطابق معیار شعر کلاسیک فارسی بودن است. نمونه‌ای از آغاز قصیده‌ای که فشردگی تصاویر و سبک قآنی را بهتر نشان می‌دهد:

«دوش که این گرد گرد گند مینا آبله گون شد چو چهر من ز ثریا
تند و غضبناک و سخت و سرکش و تومن از در مجلس درآمد آن بت رعنا
تاجکی از مشک تر گذاشته بر سر غیرت تاج قباد و افسر دارا
خم خم و چین چین شکن شکن سر زلفش کرده ز هر سو پدید شکل چلپا
روی سپیدش برادر مه گردون موى سيا和尚 پسر عم شب يلدا»
(قآنی، 1380: 40)

2-2- استعاره

در پرداخت استعاره در شعر، قآنی، تلاش می‌کند، استعاره‌هایش تازه و دیریاب باشند و اگر از استعاره‌های کلاسیک بهره می‌برد باز هم تلاش می‌کند از جهت وجه شبه (جامع) استعاره‌هایش متفاوت باشند. معمولاً استعاره‌های قآنی در بافت کلی شعر جنبه‌های هنری و ادبی‌شان مشخص می‌شود و گرنه خود «لفظ مستعار» شاید در بادی امر ساده و آشنا جلوه کند. در این راستا معمولاً قآنی از بازی‌های زبانی و آرایه‌های بلاغی غافل نمی‌ماند و بدین گونه شعر خود را از تمام زیبایی‌های ادبی سرشار می‌کند که تأثیرش گیراتر باشد.

«چون خود به کمند آر غزل گوی‌غزالی
کز مشک زره سازد و از نافه چلیپا
از آهوی سیمین بستان آهوی زرین
تا خانه چو مینو کنی از شاهد و مینا»
(همان، 44)

غزال استعاره از زیبا چهره / مشک، مو / نافه؛ زلف خوشبوی که بر سینه آویزان می‌شود / آهوی سیمین؛ ساقی زیبارو / آهوی زرین جام می‌زدرنگ. در این بیت تناسب میان تصاویر و بازی‌های زبانی شاعر دیده می‌شود.

در وصف می:

مور به تاریک شب نمایند پنهان	«آتش سردی که از فروغ شعاعش
مهر درخشنان شود بچه به زهدان	آتش سردی که گر بنشد حلی
حاکش گوهر شود گیاهش مرجان»	آتش سردی که گر به هامون تابد

(همان، 677)

در کنار این استعاره‌ها، قآنی اسنادهای مجازی را هم برای تحرک بخشیدن به حرکت تصاویر در محور افقی و عمودی شعر به کار می‌گیرد. به نمونه‌های زیر توجه کنیم:
«جام می‌بر لبم آهسته سحرگه می‌گفت تو مخور غصه که من هم دل خونین دارم»
(همان، 854)

52 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

«چشم در خمیازه می‌افتد ز شوق روی او خاصه آن دم کز پی خواندن دهن وا می‌کند»
(همان، 843)

شاعر گاه در تناسب بخشیدن به استعاره‌ها، آهنگ و موسیقی واحدی را در شعر به کار می‌گیرد:
«خیری نمود از ارغوان چنبر نمود از خیزان افشاری نمود از ارغوان چنبر نمود از خیزان
هی ریخت بر گل گوهرهای بیخت بر مه عنبر هی ریخت بر گل گوهرهای بیخت بر مه عنبر»
(همان، 288)

قاآنی گاهی عناصر شاعرانه شعرش را با اندیشه‌های حکمی ترکیب می‌کند و در این
شیوه هم نشان می‌دهد که شاعری تواناست. به هر روی این گونه از شعرها با آن که در
دیوان قaanی کم نیستند اما گویی روح زمان، نوع شعر مধی و عاشقانه را بیشتر می‌پسندند.
یادآور می‌شود که در روزگاری هم نام قaanی به امر امیرکبیر از فهرست کارکنان دولتی
حذف شد و شاعر به ناچار به کار ترجمه کتابی از زبان فرانسه به فارسی روی آورد تا به
واساطت شاهزاده‌ای مواجب او بار دیگر برقرار گردید. (همان، 7، مقدمه)

«مباش غره دلا در جهان به فضل و هنر
که شاخ فضل و هنر فاقه آورد در بر
به خاک دانش هرگز مکار تخم امید
زشاخ آهو هرگز مدار چشم ثمر
ستاره نیست مگر دون نواز و دون پرور
مکن به پای هوا در دیار عشق سفر
ره طریقت پویی طریق فقر سپر»
(همان، 299)

3- شیوه روایت در صور خیال

یکی از تکنیک‌های قaanی تصویربردازی روایی است. شاعر با آن که از تصویرهای
کلاسیک و سنتی استفاده می‌کند ولی با گنجاندن این عناصر در یک روایت، ساختاری تازه
به آن‌ها می‌بخشد. به عبارت دیگر شاعر بر آن است که شخصیت‌های شعرش را هنری‌تر
جلوه دهد. در این شیوه شعر قaanی انسجام بهتری پیدا می‌کند. در روایت زیر که شاعر

قآنی شیرازی در مکتب بازگشت در دوره قاجار 53

حادثه عادی زندگی خویش را به داستانی بدل می‌کند، از یک زمینه کاملاً معنوی و مذهبی شروع می‌کند و ناگهان فضایی کاملاً رمانیک و عاشقانه در برابر احساس مخاطب می‌گشاید:

کرد ز اوج آسمان میل به مرکز زمین
بر نهنجی که وارد است از در شع و راه دین
گشته چمان به کوی و در، گه به یسار و گه یمین
دل ز خیال گه به گه نفته و درهم و غمین
تا بگذشت ساعتی ز اول شب به هان و هین
گرچه بر آفتاب نی کژدم هیچ گه قرین
دیدم یار می‌رسد با دو رخان آتشین
جعدش یک جهان شکن زلفش یک سپهر چین
لعلش یک یمن عقیق اما بر شکرش عجین
لعل تو چیست گفت هی شادی یک جهان حزین
کت به روان ز جان من باد هزار آفرین»

(قآنی، 1380: 725)

«دوش که شاه اختران والی چرخ چارمین
من ز پس ادای فرض اندر خانه خدا
کردم زی سرای خود میل و زدم قدم برون
چشم به پای و پا به ره نرم گرا و کند رو
باری بس خیال‌ها بگذشت اندرم به دل
در شب تیره ای عجب بنمود آفتاب رو
چون سوی او پس از وله نیکو بنگریستم
چشمش یک تtar فن چهره‌ش یک بهار گل
قدش یک چمن نهال اما بر سرش ارم
چشمم بر جمال او روشن گشت و گفتمش
گفتمش ای بدیع رخ اهلاً مرحبا بیا

در این شعر که دیوان قآنی نمونه‌های فراوان از آن دارد، تصویر در کمال تناسب، تنوع و تازگی همراه با روایتی پارادوکسی است. زبان این شعر از جهت موسیقی در آغاز آرامش نسبی دارد اما هنگامی که شاعر با دوست زیبای خارق العادة خود مواجه می‌شود موسیقی از آرامش جویباری به خیزابی تبدیل می‌شود چنان که فضا را برای یک وصال عاشقانه مهیا می‌سازد.

ترکیب‌های «یک تtar فن، یک بهار گل، یک جهان شکن، یک سپهر چین، یک جهان حزین، یک چمن نهال، یک یمن عقیق»، نشان از قدرت فوق العاده زبان قآنی دارد. مطلع برخی از قصاید این گونه‌اند:

54 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

«دوش چون شد رشتہ پروین عیان دیده‌ام پروین فشن شد دامنم پروین نشان» (همان، 670)

«دوش اندر خواب دیدم بر قد سروی جوان سایه گستر گشت خورشید از فراز آسمان» (همان، 668)

بسامد عناصر خیالی در شعر قآنی		
63/62 درصد	607 مورد	تشبيه
26/41 درصد	252 مورد	استعاره
5/55 درصد	53 مورد	کنایه
4/42 درصد	42 مورد	مجاز

این بررسی دست کم در 2000 بیت از دیوان شاعر به انجام رسیده است.

در این بررسی بسامد کنایه و مجاز نسبت به تشبيه و استعاره بسیار اندک است و همچنین کنایه‌ها و مجاز‌های شعر قآنی بسیار ساده و سنتی هستند. تنها می‌توان گفت این کنایه‌ها و مجاز‌های ساده در کنار دیگر عناصر تصویرساز ارزش ادبی پیدا کرده‌اند و گرنه بسیار ساده و پیش پا افتاده‌اند. در شعر قآنی عناصر خیالی یعنی تشبيه و استعاره هنگامی که در بافتی فشرده و روایی قرار می‌گیرند و به ویژه وقتی با ترکیب‌های شاعرانه همراه می‌شوند تازگی خاصی پیدا می‌کنند و در این جاست که کلام شاعر به سبک ادبی و شخصی منجر می‌شود.

4- زبان شعر قآنی

قآنی یکی از شاعران مهم این دوره است بلکه به جهت داشتن زبانی خاص یکی از شاعران صاحب سبک است که از حیث زبانی باید مورد توجه قرار گیرد. قآنی زبان خاص و سبک تازه دارد. در این زبان خاص و تازه، موسیقی مهم ترین عنصری است که واژگان را در محور همنشینی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، قآنی از نظر گزینش واژگانی در وهله

_____ ق آنی شیرازی در مکتب بازگشت در دوره قاجار 55

نخست به غنای موسیقایی آن در فضای بیت توجه می‌کند، بدین معنا که شاعر واژگانی را برمی‌گزیند که در ترکیب با دیگر واژه‌های بیت و کل شعر، موسیقی متناسبی با محتوا ایجاد کند، این موضوع معمولاً در نزد شاعران صاحب سبک دیده می‌شود، او با آوردن جمله‌های کوتاه و مسجع هم تحرک در کلام به وجود می‌آورد و موسیقی شعر را غنا می‌بخشد. او با ترکیب درون مایه و آهنگ، کلامی آهنگین می‌افریند.

در شعری که می‌آید شاعر در تمام ابیات آن با آوردن ترکیب‌های تازه به شعر شکل خاص بخشیده است :

ای اصل تو از نوبه و ای نسل تو از زنگ
دربان رخ یاری و درمان دل تنگ
یک گله پرستویی و یک بادیه سارنگ
یک طایفه ریحانی و یک قافله شبرنگ
دیوان را سالاری و دزدان را سرهنگ
سوداگر سودانی و همسایه افرنگ»
(قا آنی، 1380: 504)

«ای زلف نگار ای حبشه زاده شبرنگ
جادوی سیه کاری و جاسوس شب تار
یک حلقه پریشانی و یک سلسله شیدا
یک مملکت آشوبی و یک معركه غوغای
جادوی رسن سازی و هندوی رسن باز
آویخته با ماهی و آمیخته با گل

و یا:

هر هفت کرده، آمد یک هفته پیش از این
می خورده ره سپرده عرق کرده خشمگین
بنشستم و نشاندم و بوسیدمش جبین
چونی چه روی داده چرایی دژم چنین
مینای می به جیب و بکش رخش زیر زین
ایدون ردیف من شو و بر اسب برنشین
دشتی درو کشیده سراپرده فرودین
قمری گشوده زمزمه زآوای دلنшиین

«ماه دو هفت سال من آن یار نازنین
پی خسته دم گسسته کمر بسته بی قرار
بر جستم و دویدم و پرسیدمش خبر
کاخر چگونه یی چه شدت سرگذشت چیست
گفت این زمان مجال سخن نیست رو بهل
بگرفتمش رکاب و به زین برنشست و گفت
بیرون شدیم هر دو ز دروازه سوی دشت
بلبل فکنده، غلغه ز آواز دلنواز

56 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

دیباچه می‌نوشت ز گیسوی حور عین
بنگر بر این چمن که بهشتی بود بربن
زد دست وز دو زلف مسلسل گشود چین
کایدون کجاست باده بده یک دو ساتگین
رفیتم تا کناره کشته که سنبlesh
گفتم بتا هوای که داری کجا روی
خندید و وجد کرد و طرب کرد و رقص کرد
با رقص و وجد و قهقهه بازم جواب داد
ناگه سر به عشهه فراگوش من نهاد....

(همان، 729)

چنان‌که دیده می‌شود قآنی با گزینش شیوه روایی، غزل خویش را به نمایش درآورده است، نمایشی که به تجربه‌های شخصی شاعر اشاره دارد. به سخن دیگر کلام قآنی در غالب اوقات برآمده از تجربه‌های گوناگون زندگی اوست، چنان‌که گاه از روزگار گلایه سر می‌دهد و گاه اظهار شادمانی می‌کند. نکتهٔ یاد کردنی در شعر قآنی که زبان خاص او را بهتر نشان می‌دهد در روایت‌گری‌های اوست که در بسیاری از این روایت‌ها، شاعر تجربهٔ مهرورزی‌های خود را به آشکارترین وجهی ارائه می‌دهد. در همین راستا شاعر در روایت‌ها بازی‌های زبانی را نیز به کار می‌گیرد گویی او بر این باور است که با شگرد بازی زبانی بهتر می‌تواند در مهرورزی‌های خود توفیق یابد و در دل دوست راهی پیدا کند.

شاعر در کنار هنرنمایی‌های زبانی گاه شیوه‌ای از پرسش و پاسخ به کار می‌گیرد و روایتی را به پیش می‌برد که بسیار تازه جلوه می‌کند. حتاً می‌توان گفت شیوه‌ای که برخی از شاعران غزل‌سرا امروز به کار می‌برند به نوعی همان شیوه پرسش و پاسخی است که در نزد قآنی هم کاربرد داشته است.

توضیح این که در شعر معاصر در «جريانی» که بدان «غزل نو افراطی» گفته‌اند به ویژه در شعر شاعری به نام «محمد سعید میرزایی» چنین شیوه‌ای با اندکی تفاوت دیده می‌شود.

غزل زیر از میرزایی است:

کجاست جای تو در جمله زمان که هنوز...
که پیش از این؟ که هم آکنون؟ که بعد از آن؟ که هنوز؟
که تا ابد؟ که همیشه؟ که جاودان؟ که هنوز؟
و با چه قید بگوییم که دوست دارم؟

تو غنچه می‌کنی این بار هم دهان که هنوز...
از این زمین که پیاپی... و آسمان که هنوز...
پر از «همیشه همین طور» از «همان که هنوز»
و پشت هیچ نشستند از این گمان که هنوز
و تو «باید» ای حس ناگهان که هنوز
سوال می‌کنم از تو: هنوز منتظری؟
چه قدر دلخورم از این جهان بی موعود،
جهان سه نقطه پوچی است خالی از نامت
همه پناه گرفتند در پس هرگز
ولی تو حتمی و اتفاق می‌افتد

(به نقل از: روزبه، 1381: 315)

ق آنی در قصیده‌ای با طرح پرسش و پاسخ، هم در شعر تحرک ایجاد می‌کند و هم به اهمیت و عظمت موضوع اشاره می‌کند. آن چه سبب تفاوت شعر «محمد سعید میرزا» و ق آنی می‌شود در میزان شرکت مخاطب در شعر است که با توجه به امکانات و شیوه‌های مدرنی که در غزل معاصر ایجاد شده است، غزل «میرزا» هنری‌تر می‌نماید.

«رسید چه؟ خبر فتح، کی رسید؟ سحر
کجا؟ به نزد مالک، از چه ملک؟ از خاور
خبر چه بود؟ شکست عدو، که گفت؟ بشیر
عدو شکست چه سان خورده؟ گشت زیر و زیر
مصطفی گاه کجا بود؟ ساحت بسطام
که بر شکست عدو را؟ سمی بن آزر...»

(ق آنی، 1380: 293)

این قصیده به همین شیوه ادامه می‌یابد تا آن که شاعر به شخص مورد نظرش می‌رسد و قصیده تمام می‌شود. به عبارت دیگر قصيدة ق آنی با به پایان رسیدن ظاهری اش، در سطح معنایی نیز پایان می‌یابد در حالی که در شعر «میرزا» «هنوز مخاطب در پی کشف معنای تازه است و شعر در ذهن او تداوم می‌یابد.

5- عناصر بیانی در شعر ق آنی

آن چه به عنوان عناصر بیانی مطرح می‌شود اصطلاح سبک شناسانه است نه «علم بیان» چرا که در اینجا به شگردهای تعبیری شاعر توجه می‌شود نه موضوع علم بیان که تشبيه و استعاره و کنایه و مجاز می‌باشد. در عناصر بیان شاعر با به کار گرفتن شگردهای تعبیری، به

58 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

کلام خود گوناگونی و تنوع می‌دهد و سبب ایجاد موسیقی معنوی در شعر می‌گردد و بدین گونه مخاطب را با نحوه رابطه خود با طبیعت آشنا می‌کند، چنان‌که شاعر برای ادای یک معنا به ایهام متول می‌شود و شاعری دیگر به تضاد و یا پارادوکس؛ از این روست که در سبک شناسی به این گونه از شگردهای تعبیری عناصر بیانی گفته شده است.(ر.ک: 1377: 194)

فرماليست‌هاي روسى در همين باره گفته‌اند: «هدف هنر، احساس مستقييم و بي واسطه اشياست بدان گونه که به ادراك حسى در مى‌آيند نه آن گونه که شناخته شده و مألفند».

(علوي مقدم، 8: 1377)

مقصود اين است که وقتی شاعر با اشیا رابطه حسى مستقييم پیدا کرد و به آن‌ها شخصيت شعری بخشید اين شخصيت‌بخشی، حرکتی در كل اثر ادبی ایجاد می‌کند که بخشی از ایجاد اين حرکت بر دوش عناصر بیانی گذاشته شده است. باید دانست که در بسياری از اشعار قآنی او احوال گوناگون خود را به گونه‌ای ارائه داده است که می‌تواند نمونه‌ای از همين گفته فرماليست‌ها باشد.

مهمازین عناصر بیانی عبارتند از: ایهام، ابهام، پارادوکس، تضاد، تلمیح، مراعات نظری، حسن تعلیل، اغراق.

در اينجا به ذكر چند بيت بستنده مى‌كنيم؛ مثلاً در جايی شاعر با در کنار هم چيدن واژه‌هایي مانند «بيان» و «بدیع» و «معانی» و «مطول» و «مختصر» سخن را در شبکه‌ای از ایهامها و مراعات نظری ارائه داده است و گویی خواسته است که مخاطب با دیدن هر واژه‌ای به سوی واژه دیگر حرکت کند و در بيت سيری نماید:

«بيان بدیع او، معانی چو سر گند سخن، گر مطول است چنان مختصر کند»
(قاآنی، 1380: 879)

قاآنی در غزلی دیگر با استفاده از «اغراق» عناصر بیانی را ساختاري هنري بخشیده است:

«ای زلف! گشته پیکر من موبی از غمت از موبیه دامنم شده آمویی از غمت

قآنی شیرازی در مکتب بازگشت در دوره قاجار 59

آسان کشم چو کاه به نیروی از غمت
چشمان من کرده روان جویی از غمت
گر بشنوم به ساحت آن بويی از غمت...
(همان، 901)

چنان‌که گفته شد یکی از شیوه‌های بیانی، تلمیح است که در شعر قآنی بسامد بالایی دارد، بدین گونه تلمیح با میدان داری، میان دیگر عناصر بیانی همگونی به وجود آورده است.

به شعر زیر توجه کنیم:

طرفه جشنی جان فزا پیر و جوان آراستند
جشن نوروزی چرا در مهرگان آراستند
مهرگان جشن از چه رو در هر کران آراستند
کز طرف فرخنده جشنی تیرگان آراستند»
(همان، 925)

نکته‌ای که در پایان بایسته است در آن دقت شود، این است که گاه آرایه‌ای خاص حکم عنصر مسلط در شعر یا بیتی دارد و حضور آن عنصر سبب ایجاد نوعی ساختار هنری می‌شود و گاه چند عنصر در شعر حالت مرکزیت دارند. البته در ادبیات چون بر اساس ذوق پروردۀ داوری می‌شود ممکن است نظرهای گوناگونی در نقد و تحلیل یک قطعهٔ شعری به وجود آید. به هر روی مقصود این است که باید یک نوع نگاه همه جانبه و فراگیر نسبت به شعر داشت تا عناصر ادبی در بافت کلی شعر، جایگاه زیباشناصانه‌اش نمایان شود.

«با سوز دلی گرم‌تر از آتش بهمن
چون آب دی از سردی مهر تو فسردیم»
(همان، 856)

در بیت یاد شده، بهمن می‌تواند در تناسب با واژه‌های دیگر بیت به معانی گوناگونی مانند ماه بهمن (بهمنگان) گیاه بهمن، بهمن فرزند اسفندیار (در شاهنامه) اشاره کند و

60 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

همچنین دی که یکی از روزهای هر ماه ایرانی بوده (روز هشتم) با بهمن و مهر ایهام تناسب پیدا می‌کند و مهر نیز با دو معنای خود (مهریانی و خورشید) با دی و بهمن و دل ایهام تناسب پیدا می‌کند.

بسامد عناصر بیانی در شعر قآنی				
درصد	25/2	مورد	180	تضاد
درصد	23/8	مورد	170	تلمیح
درصد	23/1	مورد	165	اغراق
درصد	7/2	مورد	52	ایهام
درصد	7/1	مورد	50	حسن تعلیل
درصد	5/7	مورد	40	التفات
درصد	4/4	مورد	31	اسلوب معادله
درصد	3/5	مورد	25	پارادوکس
درصد	100	مورد	713	جمع
این بررسی در 1700 بیت از دیوان شاعر به انجام رسیده است.				

درباره بسامد عناصر بیانی در شعر قآنی آن‌چه شایسته گفتن است این است که آرایه تضاد که بسامد بالایی دارد مطابق سبک شعر دوره قاجار در شعر قآنی نیز حضور دارد اما آرایه تلمیح و اغراق و بسامد بالای این دو در دیوان قآنی جزو اختصاصات سبکی شاعر است؛ گویی شاعر برای اثبات استادی خود در شعر افزون بر توجه ویژه به زبان و ترکیب‌های خاص به تلمیح، گرایش تام داشته است. بنابراین توجه وافر قآنی به عنصر تلمیح هم به شعر او ژرفای معنایی بخشیده است و هم به شیوه او شکل و شمایل خاص داده است، از این روست که باید گفت شعر قآنی برخلاف بسیاری از شاعران معاصرش که زبان ساده را برگزیده بودند شعری فنی است.

نتیجه

در راستای سبک شعر دوره قاجار که گرایش تام و تمام به حفظ قواعد و سنت‌های ادبی دارد، قاآنی نیز شاعری است که به سنت‌های ادبی بسیار علاقه نشان داده است اما این علاقه و وابستگی پای‌بندی برای او نشده است که نتواند استعدادهای شاعرانه خویش را بروز دهد. شعر او اگرچه از حیث اندیشه در مقایسه با بزرگان ادب فارسی همانند بسیاری از شاعران عهد قاجار غنی نیست ولی از جهت کاربرد ترکیب‌های تازه و صور خیال به ویژه تلمیحات فراوان دارای سبک خاص است نکته مهم درباره قاآنی زبان خاص اوست؛ به عبارت دیگر نوع کاربرد زبان، چه به صورت ترکیب‌های اشتقاقی، چه به صورت ترکیب‌های اضافی «عنصر مسلط» شعر قاآنی است. از این رو می‌توان گفت تمام عناصر ادبی، زیر تأثیر فوق العاده زبان قاآنی قرار گرفته است، گویی شاعر تمام وظيفة شاعرانه خود را صرف ساختار زبانی کرده است.

«ختنی خط حبسی حال و فرنگی رویی به ختن روی نهم یا به حبس یا به فرنگ
آن مه و چشم ترا هر که ببیند غافل وهمش آید که پلنگی زده بر آهو چنگ»
(قاآنی، 1380: 513)

62 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

کتاب‌نامه:

- آرین پور، یحیی. 1375. از صبا تا نیما. چاپ ششم. تهران: انتشارات زوار.
- ابراهیمی، مختار. 1385. شرح آرزومندی. چاپ اول. اهواز: انتشارات معتبر.
- _____، 1377. شعر رندانه. چاپ اول. اصفهان: انتشارات مولانا.
- حمیدی، مهدی. 1364. شعر در عصر قاجار. چاپ اول. تهران: گنج کتاب.
- خاتمی، احمد. 1373. تاریخ ادبیات در دوره بازگشت ادبی. چاپ اول. تهران: موسسه فرهنگی و انتشارات پایا.
- روزبه، محمدرضا. 1381. ادبیات معاصر ایران. چاپ اول. تهران: نشر روزگار.
- زرقانی، سید مهدی. 1390. تاریخ ادبی ایران. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. 1366. صوفیان در شعر فارسی. چاپ سوم. تهران: انتشارات آگاه.
- علوی مقدم، مهیار. 1377. نظریه‌های نقد ادبی معاصر. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- غلامرضایی، محمد. 1377. سبک شناسی شعر پارسی. چاپ اول. تهران: انتشارات جام.
- قاآنی، میرزا حبیب الله شیرازی. 1380. دیوان حکیم قaanی شیرازی. به تصحیح امیر صانعی (خوانساری). چاپ اول. تهران: انتشارات نگاه.
- لنگرودی، شمس. 1375. مکتب بازگشت. تهران: نشر مرکز.
- محبته، مهدی. 1390. از معنا تا صورت. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.